



## اهمیت نقش والدین در یادگیری فرزندان

هیفاء نیسی<sup>1</sup>، احمد ساکی<sup>2</sup>

<sup>1</sup> کارشناسی ارشد، ریاضیات کاربردی، دانشگاه صنعتی شیراز

HEIFA.NEISIE2022@GMAIL.COM

09101500106

<sup>2</sup> کارشناس نهضت سواد آموزی، زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور اهواز

<sup>2</sup> اداره آموزش و پرورش شهرستان هویزه،

AHMAD SAKI@GMAIL.COM

09165415244

### چکیده :

بر اساس مطالعات گوناگون تاثیر مشارکت والدین در یادگیری فرزندان بسیار حایز اهمیت بوده و توسط معلمان، مدیران و سیاستگذاری به رسمیت شناخته می شود و مسایل مربوط به این مشارکت به یکی از بخش های جدایی ناپذیر اصلاحات جدید آموزشی و طرح های بهبود آن تبدیل گردیده است. زمانی که معلمان، خانواده ها و جوامع با یکدیگر در ارتباط باشند با حمایت از یکدیگر میتوانند در یادگیری بهتر فرزندان بسزایی ایفا کنند. در این پژوهش به اهمیت نقش والدین در یادگیری فرزندان پرداخته شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که والدین به دلیل مدت زمان حضور بیشتر و ارتباط بیشتر با فرزندان خود با ایجاد نقش های حمایتی، انگیزشی، مشارکت های رسمی، و غیر رسمی در تحصیل، سطح و موفقیت آنان نقش سواد، درک و هدایت تاثیر مثبتی را می توانند در پیشرفت تحصیلی خود انجام دهند. خوشبختانه اکثر والدین بر اهمیت راهنمایی تحصیلی واقف اند و شاید وقت فراوانی در این زمینه مصرف می کنند و نکته مهم این است که والدین با شناخت بیشتر و آگاهی از شیوه های تصحیح تعلیم و تربیت بهتر می توانند به یاری فرزندان خود بشتابند.

**واژگان کلیدی:** والدین، نقش والدین در یادگیری، پیشرفت تحصیلی

### 1- مقدمه :

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که تامین کننده ی نیازهای روانی و اجتماعی افراد است. کودک از همان ابتدای شیرخوارگی از محیط خانواده متاثر می شود و در بزرگسالی نیز این تاثیر پیچیدگی خاص خود را پیدا می کند. خانواده در رشد شخصیت فرزندان تحکیم ارتباط میان اعضای خود و اعتلای فرهنگ، نقش و اهمیت بسزایی دارد. فرزند در خانه و در دامن والدین رشد می کند و آماده ی ورود به مرحله دیگری (دبستان) می شود. خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تعلیم و تربیت هر جامعه ای محسوب می شود. وضعیت موجود هر جامعه ای نتیجه یادگیری دیروز افراد در خانه و مدرسه است و وضعیت فردی هر جامعه در نتیجه سرمایه گذاری نهایی است که امروز روی دانایی افراد در خانه مدرسه و جامعه انجام می گیرد. امروزه مشارکت جدی خانواده های دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در فرایند آموزشی پیش از پیش احساس می شود زیرا بدون همکاری و توجه لازم پدر و مادر پیشرفت دانش آموزان با مشکل روبرو می شود. آموزش موثر در مدارس بدون مشارکت جدی والدین نمیتواند به نحو شایسته ای صورت پذیرد و ضروری است آموزگاران و مسولان مدرسه از محیط زندگی فرهنگ و ارزش های حاکم بر آن محیط آگاهی یابند. باید توجه داشت که پیشرفت تحصیلی تحت تاثیر یک عامل نیست بلکه عوامل متعددی بر آن تاثیر دارند. برای یادگیری و یاددهی وجود سه عامل ضروری است عبارتند از استعداد یادگیری فرصت و امکان یادگیری راهنمایی و ارشاد درست والدین باید بدانند فرزندانشان چگونه یاد می گیرند و چگونه می توانند در عمل یادگیری آنان را رهبری کنند. هم چنین باید در ایجاد انگیزه و علاقه به یادگیری در آنان اطلاعات کافی داشته باشند. اصولاً یادگیری پایه زندگی فردی است. به علاوه اساس زندگی اجتماعی نیز می باشد چرا که صرفاً توسط وجود همین استعداد است که افراد یک جامعه آداب و رسوم را در می یابند و به رعایت آنها می





کوشند و والدین بایستی بدانند که بچه هایشان چه تفاوت هایی با هم دارند (دختر پسر سن و...) و سطح و وضع رشد و تکامل هر کدام از آنان چگونه است. میزان آمادگی آنان برای یادگیری به چه میزان میباشد و چگونه می توان این آمادگی را افزود چرا که بچه آمادگی لازم را به لحاظ بدنی ذهنی عاطفی برای یادگیری نداشته باشد والدین و مربیان در این امر موفقیتی نخواهند داشت. اکثر مادران با این مشکل مواجهند که چگونه می توان بچه ها را برای آموختن موضوعی خاص برانگیخت. در این رابطه نباید تردید داشت که آموزش سودبخش میبایستی بر مبنای رغبت ها و نیازهای بچه ها انجام گیرد و بچه ای که برای آموختن برانگیخته شده است راه یادگیری بهتری را در پیش خواهد گرفت یادگیری که به یک وضع خاص اختصاص داشته باشد و در سایر موارد قابل استفاده نباشد تقریباً بی فایده است. یادگیری زمانی ارزشمند است که در موارد مختلف زندگی موثر افتد. جنبه دانش تغییر در این جنبه به وسیله کسب علم و افزایش دانش انجام می شود. بدین معنی که علوم اندیشه را تغییر داده و او را برای سازگاری با محیط آماده می سازند. والدین میتوانند با بالا بردن سطح دانش بصیرت و آگاهی به بچه هایشان کمک نمایند تا به دانش و علمی که دارند نظم بخشند. بدیهی است اطلاعات پراکنده و محفوظات ارزش اندکی داشته و از کارایی لازم برخوردار نیست. جنبه بینشی: تغییر در این قسمت اهمیت زیادی دارد چرا که بچه در زندگی بسیار تحت تاثیر عواطف خود قرار میگیرند. بعد از مرحله آگاهی و دانش برای تغییر رفتار در بچه ها معمولاً باید تغییر را از این مرحله شروع نمود چرا که اگر فرزندان نسبت به یک ایده یا رفتار جدید نگرش و طرز تلقی مثبتی پیدا نمایند تغییر در عمل و رفتار که منظور والدین است به سرانجام نخواهد رسید. جنبه عملی در این جنبه با ایجاد و پیدایش عادت ها و مهارت ها تغییر به وجود خواهد آمد. مطلوب والدین این است که در نهایت در این جنبه از بچه تغییر به وجود آید. به بیان دیگر فرزندان توصیه ها و پیشنهادات والدین را در عمل به کار بندند. و از آنها استفاده نمایند. در این مرحله امکانات و توانایی های مالی و اقتصادی خانواده نقش مهمی دارد. به عنوان مثال ممکن است در بچه ای تغییر در دانش و گرایش برای پذیرش و بکارگیری توصیه ها و رفتارهای مطلوب به وجود آمده باشد اما در موقع عمل با وجود انگیزه کافی امکان بکارگیری برای بچه وجود نداشته باشد.

## 2- اهمیت نقش والدین در یادگیری فرزندان :

امروزه در سایه ی تحقیقات گسترده مشخص شده است که تعامل وراثت و محیط چگونگی رشد هر انسانی را تعیین می کند به عبارت دیگر رفتار هر فردی تحت تاثیر ساختارهای ژنتیکی محیط قبل از تولد و ضمن تولد و محیط بعد از تولد (خانواده زندگی فرد) است. محیطی که در آن کودکان رشد می کنند همانند وراثت ژنتیکی بسیار پیچیده است. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی مهم ترین نهاد برای رشد و پرورش محسوب می شود. رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضا تاثیر دارد و سیستم خانواده یک سیستم پویا است و همیشه با رویدادهای تازه تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می شود. اما علی رغم این تغییرات می توان ویژگی های باثباتی را در عملکرد خانواده ها یافت که نحوه رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را تعیین می کند. (بخشایی ۱۳۸۸) تقریباً همه والدین از این که فرزندان شان چگونه باشند یک تصویر آرمانی می سازند و برای سوق دادن کودک به سوی این هدف روش های زیادی را مورد آزمایش قرار می دهند فرزندان خود را تشویق یا تنبیه می کنند برای کودکان شان سرمشق و الگو قرار می دهند انتظارات و باورهای خودشان را توضیح می دهند و سعی می کنند فرزندان شان را به مرکز آموزشی و تربیتی خاص بسپارند و برای آن ها دوستانی انتخاب کنند که با اهداف و ارزش های آن ها هماهنگ باشند (بخشایی ۱۳۸۸). والدین در تربیت والدین در تربیت، رشد و شکوفایی استعداد های فرزند خود چه نقش های می توانند داشته باشند.

## ایفای یک نقش الگو:

خانواده یک بخش اساسی از آموزش کودک است. ثابت شده است که فراهم کردن یک محیط رشد شاد و مثبت در بهبود ذهنیت و ذهن شناختی کودک بسیار مفید است. این یکی از نقش های اصلی والدین است که اطمینان حاصل کنند که یک محیط یادگیری شاد برای کودک در حال رشد فراهم می شود. مطالعات نشان می دهد که کودکان اغلب الگوهای خود را بر اساس نوع رفتار سرپرستانی که در مقابل آنها به تصویر کشیده می شود، انتخاب می کنند. با بزرگ شدن، والدین پنجره ای به دنیای فرزندان شان و اولین معلمان آن هستند. کودک اغلب والدین خود را به عنوان



الگو یا ابر قهرمانان می بیند و آرزو می کند که پس از بزرگ شدن دقیقاً شبیه آنها شود به عنوان الگو برای فرزند خود، می توانید همه چیزهای مهم زندگی مانند اهمیت آموزش، یادگیری کنجکاوی و تلاش را به او بیاموزید. اگر فرزندان به شما نگاه کند، انتقال دانش و ارزشها برای شما آسانتر خواهد بود و به آنها کمک می کند تا یادگیرندگان بهتری باشند. والدین می توانند فرزندان خود را تشویق و الهام بخشند تا از زندگی در داخل و خارج از محیط مدرسه یاد بگیرند و جهان را مشاهده کنند.

## در فعالیت های کودک شرکت کنید:

نقش والدین در تعلیم و تربیت فرزندانشان این است که در فعالیت های فرزندانشان شرکت کنند تا به آنها این احساس را بدهند که از آنها حمایت می شود. این باعث می شود آنها نسبت به خودشان اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند. مشارکت فعال والدین همچنین باعث بهبود پیوند والدین و فرزند و ایجاد اعتماد و دوستی بین آن دو می شود. فعالیت هایی مانند خواندن، بازی کردن، حل پازل، برای بهبود یادگیری کودک، مهارت های حل مسئله و بهبود پیوند بهتر است. کمک به فرزندان در انجام تکالیف، یادگیری مجازی و آماده شدن برای آزمون ها نیز راه بسیار خوبی برای برقراری ارتباط با اوست. این به کودکان کمک می کند تا در مورد خود صحبت کنند و در نتیجه مهارت های اجتماعی و ارتباطات بین فردی آنها را بهبود می بخشد که در مدرسه و همچنین در بزرگسالی مفید است.

## انتقاد سازنده:

اغلب اوقات، والدین از اشاره به اشتباه فرزندان خود اجتناب می کنند زیرا اعتقاد بر این است که اگر بچه ها احساس کنند مورد انتقاد قرار می گیرند، تمایل دارند از والدین خود فاصله بگیرند. این ممکن است درست باشد زیرا انتقاد باعث می شود کودکان (و بزرگسالان) احساس کنند که در گوشه ای قرار گرفته اند و در نتیجه احساس تنهایی می کنند. کلید انتقاد سالم این است که به شخص احساس اعتماد کنید، علیرغم اشتباه، و به او کمک کنید تا خطا را بدون احساس «غم انگیز» یا اینکه گویی شکست خورده است، برطرف کند. برخی از انتقادهای سازنده دوستانه هرگز به کسی آسیب نمی رساند. نقش والدین در این شرایط این است که با آنها بنشینند و مشکل را با هم حل کنند، نه اینکه به بچه ها بگویند چه اشتباهی انجام می دهند و آنها را رها کنند تا اشتباهات خود را اصلاح کنند. این به بچه ها کمک می کند که اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند و استعداد حل مسئله خوبی برای آینده ایجاد کنند.

## آزادی انتخاب:

از لحظه تولد کودک، والدین شروع به کار می کنند و نگران مسیر شغلی و اهداف زندگی او هستند. بارها می بینیم که والدین در ۲ سالگی حرفه کودک را تعیین می کنند و در لحظه پایان مدرسه ابتدایی آن را به سمت شغل سوق می دهند. این امر بر یادگیری کودک تأثیر نامطلوب می گذارد، او را نسبت به موضوعی سوگیر می کند و نسبت به درس بیزاری می یابد، تحصیلات کامل او را مختل می کند و در نهایت بر تحصیل او تأثیر می گذارد. همانطور که گفته شد، یکی دیگر از نقش های مهم والدین در آموزش کودک این است که فرزندان خود را در سنین پایین از همه انتظارات شغلی رها کنند و به آنها آزادی انتخاب رشته مورد علاقه خود را بدهند. به این ترتیب آنها به آنها علاقه مند می شوند. آموزش کلی در حالی که در موضوعی که از آن لذت می برند بسیار سخت کار می کنند. علاوه بر این، رها کردن آنها از هرگونه فرضیات و پیش بینی های آینده و اجازه دادن به آنها با استعداد و اشتیاقشان باعث می شود که بیشتر به شما اعتماد کنند، معتمدشان شوند و پیوند را بهبود بخشند.

## موفقیت فرزندان را جشن بگیرید:



ما به عنوان بزرگسالان ممکن است موقعیت های شاد بسیاری را در زندگی خود تجربه کرده باشیم، اما فرزندانمان اینطور نبوده اند. برای آنها کسب نمره خوب در آزمون های کلاس، پیدا کردن دوستان جدید یا نامزد شدن به عنوان بخشدار کار بزرگی خواهد بود. فراموش نکنیم که همه اینها بخشی از آموزش کودکان است و هر دستاوردی هرچند کوچک نشانه رشد است. بزرگداشت دستاوردهای فرزندان و پاداش دادن به آنها نقش مهمی برای والدین در تربیت فرزندان است. آنها را به انجام بهتر انگیزه می دهد و توانایی آنها را برای حفظ دانش و یادگیری بهتر بهبود می بخشد.

### به فرزند خود مشاوره دهید:

غالباً لازم است که والدین در مورد روش های صحیح مطالعه و آزمون دادن، تکنیک هایی را به فرزندان خود آموزش دهند. یادداشت برداری، توضیح دادن برای فرد دیگر، حل کردن نمونه سؤال، نظارت بر توجه، و حفظ آرامش به هنگام آزمون از جمله این موارد هستند. خانواده نقشی بی بدیل در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش ها از خانواده به عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده اند.

### 2- مشارکت خانواده در آموزش و پرورش:

مطالعه اهمیت مشارکت خانواده ها در آموزش و پرورش از جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. الف) دیدگاه مشارکتی به عنوان ارتباط با مدرسه و حمایت از یادگیری در کلاس در نظر گرفته می شود که شامل جنبه هایی مانند حضور در مدرسه، ارتباط با معلمان، آگاهی از عملکرد مدرسه، ارتباط با کودکان و کمک به انجام تکالیف شان است. ب) دیدگاهی که بعد تامین منابع آموزشی را به چشم انداز قبلی می افزاید، مانند سرمایه گذاری زمان در آموزش خارج از کلاس و فعالیت هایی که باعث تقویت یادگیری دانش آموزان می شود. ج) دیدگاهی که مشارکت را مرتبط با میزان مشارکت خانواده های دانش آموزان در تصمیم گیری در امور مدرسه می داند [7]

### 3- ضرورت ارتباط بین خانه و مدرسه :

رابطه خانه و مدرسه تعاملی دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صالحیت در مدارس، خالص وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی دانش آموزان، بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت آن ها برعهده دارند. وقتی که رفتار معلمان و اولیای مدرسه و نیز رفتار پدر و مادر با موازین تعلیم و تربیت و رشد او مطابقت نداشته باشد، سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان به مخاطره می افتد. پس در پرتو همدلی و همسویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی یعنی خانه و مدرسه، بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهد شد. خانه و مدرسه باید از جهت روش ها و تفکرات همسوی یکدیگر باشند. دانش آموزان زمانی می توانند مسیری مناسب و ثمربخش را طی کنند که قرار گرفتن آن ها در محیط خانه و مدرسه همچون جسم و جان در هم تنیده شده است. به طوری که ه گونه سستی و ضعف در هر یک از آن ها به سختی بر دیگری تاثیر می گذارد و برعکس سلامت روانی و اجتماعی هر کدام تضمین گر سلامت وجود دیگری است. زیرا بررسی چگونگی رابطه دانش آموز با خانه و مدرسه هر گونه سستی و ضعف در هر یک از آن ها به سختی بر دیگری تاثیر می گذارد و برعکس سلامت روانی و اجتماعی هر کدام، پیچیدگی رابطه ها و داشتن برنامه درست تربیتی نیازمند تعامل و همدلی خانه و مدرسه است. تا بتوانیم نسلی سالم پرورش دهیم و بر جامعه اثرگذار باشیم.



#### 4- نقش مادران در یادگیری فرزندان:

والدین امروزی و بخصوص مادران حساسیت زیادی درباره درس خواندن و پیشرفت تحصیلی فرزندان نشان می دهند. بسیاری از خانواده هایی که فرزندان با هوش و درس خوانی دارند سعی می کنند از تهیه هیچ نوع امکاناتی دریغ نکنند. خانواده هایی که فرزندانشان به هر دلیل اهل درس و مدرسه نیست برای جبران کمبودهای انگیزشی پول خرج کردن برای معلم خصوصی و آموزشگاه و انواع و اقسام کتاب ها را ساده ترین راه می پندارند. هم والدین گروه اول و هم والدین گروه دوم بیشترین فشار را بر روی فرزندان متمرکز ساخته و به اقداماتی یک طرفه روی می آورند. نقش خانواده در ایجاد « لذت یادگیری » چیست چرا کودک ۶- ۵ ساله مشتاق یادگیری وقتی به سنین بالاتر می رسد شوق و انگیزه خود را از دست می دهد آیا این امر به دلیل تاثیر عوامل خارج از خانواده است خانواده به ویژه در سنین حدود ۲ تا ۱۰ سالگی مهارت هایی به کودک می آموزد که در رابطه با کارهای آموزشگاه نقش اساسی دارند. این مهارت ها عبارتند از: زبان توانایی یادگیری از بزرگسالان جنبه هایی از نیاز به پیشرفت عادت به کار کردن و توجه به « وظایف ». اگرچه خانواده ها در آموزش این مهارت ها به کودکان تفاوت دارند اما نتیجه کار بعضی خانواده ها در ایجاد این مهارت ها و توانایی های دیگر فوق العاده است.

#### چه نوع خانواده هایی در ایجاد شوق یادگیری و مهارت های تحصیلی موثرتر عمل می کنند ؟

خانواده های ایرانی نقش خود را درباره کمک به پیشرفت تحصیلی فرزندان در دو نکته خلاصه می کنند :

۱) تهیه و تدارک امکانات

۲) همراهی با فرزندان در درس خواندن آن چه در این میان نادیده گرفته می شود نقش سطح فکری والدین در محیط خانه است.

فرزندان شما بیش از تدارک امکانات و کنترل تحصیلی به والدینی نیاز دارند که با ارتقای دانایی ها و یادگیری های خود به ارتقای سطح فکری خانواده کمک کنند. تنها داشتن فرزند باهوش و تیزهوش و واداشتن او به درس خواندن از هر طریق ممکن مهم نیست چنین فرزندى در محیطی بهتر رشد می کند که مستعد و بالنده باشد. پدر و مادری که برای یادگیری فرزندان شان هر سختی و زحمتی را به جان می خردند ولی برای یادگیری خودشان تلاشی نمی کنند در واقع به فرزندان لطمه می زنند. باور کنید که شوق یادگیری و استعداد تحصیلی بسیاری از دانش آموزان به دلیل عدم وجود محیط مساعد فرهنگی در خانواده شکوفا نمی شود و یا به حداکثر شکوفایی نمی رسد. عکس بسیاری از والدینی که ادعا دارند برای پیشرفت تحصیلی فرزندان همه نوع امکانات مورد نیاز را فراهم آورده اند به اصطلاح چیزی کم نگذاشته اند در ارتقای سطح فرهنگ خانواده بسیار سهل انگارند. بزرگترین کاستی و قصوری که می تواند متوجه والدین یک دانش آموز باهوش باشد آن نیست که برای او کامپیوتر نخرند و یا سایر خواسته هایش را نتوانند اجابت کنند بلکه این است که با سهل انگاری ها و ناشی گری های خود سطح فکر خانواده را پایین آورند پڑ و هوش های بسیاری نشان داده اند که آنچه والدین در تعامل خود با کودکان در خانه انجام می دهند عامل اصلی تعیین کننده توانایی های کلامی و پیشرفت درسی است نه سطح درآمد والدین یا میزان تحصیلات یا سایر خصوصیت های مربوط به پایگاه اجتماعی آنان . والدینی می توانند بهترین و موثرترین سطح تعامل را با فرزندان داشته باشند که از سطح فکری - و نه فقط سطح تحصیلات - بالاتری برخوردار باشند. بنابراین نقش پدر و مادر در افت و یا ارتقای سطح فکری و فرهنگی خانواده بسیار مهم است. والدین چگونه می توانند در این باره تاثیرگذار باشند از عوامل زیادی در این خصوص می توان نام برد ولی مهم ترین عامل نگرش والدین به یادگیری و دانایی است. وقتی پدر و مادر در حرف و عمل به دانایی احترام بگذارند و وقتی یادگیری به معنای واقعی برای آنان ارزشمند باشد خود به خود رفتارهای آنان در مواجهه با مسائل فکری و تحصیلی فرزندان شان بسیار متفاوت خواهد بود. پدر و مادری که به زور می خواهند در فرزند خود انگیزه تحصیلی ایجاد کنند در واقع نه لذت یادگیری را چشیده اند و نه عطش یادگیری را درک کرده اند. چگونه امکان پذیر است که پدر و مادری نگرش مثبت واقعی به یادگیری نداشته باشند و بعد بخواهند که فرزندان به بالاترین حد پیشرفت درسی برسند البته استثناهایی ممکن است وجود داشته باشد ولی این موارد عمومی نیست به طور حتم بزرگترین و خطیرترین وظیفه والدین به خصوص در شرایط فعلی آن است که با اصلاح نگرش و رفتارهای خود درباره یادگیری و دانایی به خود و فرزندان و در یک کلام به ارتقای سطح فکری و فرهنگی کل خانواده کمک نمایند. البته این کار راحتی نیست و مهم ترین مانع عادات و رویه های معمول جامعه است اما پدر و مادری که واقعا و به صورت منطقی به سعادت خود فرزندان و خانواده می اندیشند باید گام های تدریجی را در این راه بردارند. عطش یادگیری و حضور دانایی در محیط خانه کلید خوشبختی خانواده است..



## 5- مشارکت والدین در انجام تکالیف :

همکاری والدین در انجام تکالیف تحصیلی می تواند به شکل گیری رابطه ای مطلوب بین والدین و فرزند کمک کند. همچنین فرزند احساس مورد توجه والدین قرار گرفتن و مهم تلقی شدن را در خود پرورش می دهد. مشارکت والدین در انجام تکالیف (متناسب با سطح تحصیلات اولیا) می تواند در آموزش مجدد، تمرین و تحکیم آموخته های مدرسه نقش داشته باشد.

## 6- فرزندان و دلایل افت تحصیلی آن ها :

از مهم ترین افت های نظام های آموزشی جهانی کشور ما افت تحصیلی است که همه ساله به صورت های گوناگون تعداد بسیاری از استعداد های بالقوه انسانی و منابع اقتصادی جامعه را هدر داده و نابسامانی های فردی و اجتماعی را بر جای می گذارد، هر چند پاره ای از موارد افت تحصیل در بعضی از رشته های خاص بیشتر مشاهده می شود ولی می توان علل آن را تقریباً یکسان دانست. از جمله افت بر اثر قصور در اعمال و روش های مناسب آموزشی و پرورشی توسط نظام آموزش و پرورش، معلمان، خانواده، و... بسیاری از افراد افت تحصیلی را به معنای ناتوانی دانش آموز در یادگیری مواد درسی می دانند. بدون شک این تصور نادرست است. ناتوانی کودک در فراگیری دروس ممکن است از توانایی های ذهنی محدود و ضعیف ناشی شود در حالیکه افت تحصیلی به معنای نزول از یک سطح بالاتر به سطح پایین تر در تحصیل و آموزش است. یکی از دلایل افت تحصیلی به روش های تدریس معلمان برمی گردد. روش های تدریس یکی از عناصر جدایی ناپذیر فرآیند آموزش و پرورش است، باید در بررسی های مربوط به افت کمی و کیفی تحصیلی مورد توجه قرار بگیرد. لذا تدریس را نباید وسیله ای برای انتقال دانش از این معلم و یا چند کتاب به دانش آموز تلقی کرد. بلکه مراد از تدریس، فراهم کردن شرایط مناسبی است که تحت آن شرایط دانش آموز باید به یادگیری بپردازد. از دیگر عوامل موثر در افت تحصیلی می توان به نقش معلم نیز اشاره کرد. معلم که در گذشته به عنوان دانش و اطلاعات به ذهن دانش آموزان را عهده دار بود، امروزه با وجود بسط رسانه های شنیداری و دیداری رادیو، تلویزیون، سفرنامه ها، و.. منابع اطلاعاتی دانش آموزان گسترش یافته است بنابراین نقش معلم هر روز کمرنگ تر می شود. از سوی دیگر عوامل اجتماعی و شرایط زندگی نیز به نوبه خود تغییر می کنند و تحول می یابند. بنابراین لازم است که معلم دارای بهره هوشی و استعداد ذهنی بالاتری باشد هم چنین به حرفه معلمی عشق بورزد، دانش آموزان را دوست بدارد و از سلامت بدنی و مهارت های شغلی و تخصصی بالایی نیز برخوردار باشد. در خاتمه می توان به عوامل موثر اقتصادی، مانند فقر اقتصادی وضع مسکن، میزان در آمد و عوامل فرهنگی دیگر مانند فراوانی دانش آموزان در یک کلاس و تحصیلات والدین و علل روانی و معلولیت ذهنی و جسمی دانش آموزان و هم چنین علاقه به درس دانش آموزان اشاره کرد.

## 7- عوامل پیشرفت تحصیلی

یکی دیگر از عوامل مهم در پیشرفت تحصیلی فرزندان عوامل خانوادگی است. خانواده اولین مکانی است که کودک در آن زندگی می کند و تربیت می یابد. عمده ترین عوامل خانوادگی موثر در پیشرفت تحصیلی عبارتند از:

1- شرایط عاطفی و امنیت خانواده

2- تحصیلات والدین

3- مفهوم سواد

4- بی سوادی والدین



5- تحصیلات و فرهنگ جامعه

6- ارتباط بین اولیاء و مربیان

7- شبکه خانوادگی

8- اهمیت خانوادگی

9- اشتغال مادران

حال از بین عوامل فوق به توضیح اهم آن ها می پردازیم:

### ۱- شرایط عاطفی و امنیت خانواده:

خانواده اولین کانون تربیتی کودکان به حساب می آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می گذارند. محیط خانوادگی بیش از بهره هوشی کودکان در موفقیت تحصیلی آن ها موثر است. شاید بتوان گفت مهم ترین عامل موثر در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل خانواده است. چنانچه نگرش خانواده نسبت به مدرسه معلمان و درس منفی باشد و یا بین آنچه می گویند آنچه عمل می کنند تفاوت وجود داشته باشد طبیعی است که به تدریج فرزند آن ها نیز نگرش منفی به درس و تحصیل پیدا خواهد کرد. دانش آموزی که در خانواده با پدر و مادر درگیر است. برای نشان دادن مخالفت خود با آن ها ناخود آگاه سعی می کند بر خلاف میل آن ها رفتار کند. از این رو چون تمایل و حساسیت پدر و مادر به تحصیلی را می شناسد در درس خواندن کوتاهی می کند. نوجوانان در سن بلوغ به علت تغییرات جسمی و روحی به مسایلی غیر از درس و مدرسه توجه می کنند. ممکن است شدیداً به ورزش روی آورند یا بیشتر به فکر تفریح و گردش باشند.

### ۲- تحصیلات والدین:

از آن جا که تحصیلات والدین می تواند نقش مهمی در تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفیدتر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و بهتری برخوردار خواهند بود و برخوردار از موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تاثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آن ها می شود. و در نتیجه بهتر می توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آن ها می شود. اغلب والدین تحصیل کرده از موقعیت اجتماعی مطلوبی بهره مند هستند برخوردار از پدر و مادر از موقعیت اجتماعی مناسب به نوبه خود بر روی نگرش فرزندان احساس امنیت و اعتماد به نفس آن ها نقش موثری دارد و در نتیجه چنین فرزندان بهتر می توانند با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند به یادگیری پردازند و در نتیجه استعدادهای خود را شکوفا گردانند. داشتن هدف و هدفمندی افراد تضمین کننده آینده ای سرشار از موفقیت تحصیلی شغلی است. اغلب افراد در زندگی خود سختی های بسیاری متحمل می شوند اما در نهایت نمی توانند به آن سطح از موفقیت دلخواه خود دست یابند. بدون شک اکثر آن ها در زندگی هدف تحصیلی و شغل صحیحی را انتخاب نکرده اند. افراد ذر سنین پایین درک همه جانبه و مطلوب از جامعه خود را ندارند و از این رو به راهنماهای دلسوز و آگاه جهت انتخاب هدف خود نیاز دارند. اگر پدران و مادران از سطح تحصیلی و بینش آگاهانه بالایی برخوردار باشند به خوبی میتوانند به فرزندان خود در انتخاب هدف کمک کنند. آن ها با شناخت صحیح توانایی های فرزند خود و نیازهای شغلی جامعه میتوانند در هدف گذاری فرزندان شان به شکل مطمئن عمل کنند زمانی که در وجود آن ها دلسردی و افت تحصیلی را مشاهده کردند به یادآوری و اهداف و تشویق فرزندان شان می پردازند و موقعیت تحصیلی شان را به بهترین شکل ممکن هدایت می کنند. چنین والدینی علاوه بر اینکه راهنمای بزرگ در هدف ها و تصمیمات مهم زندگی فرزند خود تلقی می شوند برنامه ریزان سخت کوش و با تجربه ای نیز هستند. بدون شک پدران و مادرانی که سال ها با تلاش پیوسته توانسته اند به ارتقای تحصیلی و شغلی دست یابند می توانند تجربیات خود که نتایج آزمون و خطاهای بسیاری



است در اختیار فرزندان خود قرار داده و همراهانی سودمند در برنامه ریزی تحصیلی آن ها باشند.

### ۳- مفهوم سواد:

سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی صنعت بهداشت، و علوم مختلف، مدیون این عامل مهم است. بی سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می تواند تاثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصا در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال، و غیره مطالعات نشان داده است که هر چه آسیب های روانی بیشتر باشد موقعیت اجتماعی شخص را پایین تر می آورد، و عواملی چون فقر بی کاری تعداد فرزندان اعتیاد و طلاق و... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می شود و آشفتگی ها یا آسیب های روانی را به وجود می آورد معمولا افرادی که در سطح پایین اقتصادی اجتماعی، و فرهنگی، زندگی می کنند سطح تحصیلات کمتری نسبت به همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده ها به شدت افت پیدا می کند.

### ۴- بی سوادی والدین :

فرزندان در مدرسه مشکلاتی برای تحصیل آنان فراهم می کند، و هم از نظر ناتوانی آنان در کمک فکری و عملی به امور برنامه درسی فرزندان در منزل، از پیشرفت مناسب تحصیلی فرزندان می کاهد. زیرا برخی از فرزندان در امور تحصیلی خود نیازمند ساعات آموزشی خارج از اوقات رسمی کلاس و مدرسه اند. برای این قبیل دانش آموزان به علل متعدد، آموزش در مدرسه کافی نیست و لازم است پس از خروج از مدرسه کمک های آموزشی اضافی از منابع دیگر دریافت کنند. والدین با سواد علاوه بر نقش کمک رسانی در آموزش فرزندان خود الگوی منسجمی از یک فرد باسواد نیز به شمار می آیند. سواد والدین در تحصیل فرزندان نقش دو جانبه ای دارد. از یک سو برا ی آنان جنبه کمک آموزشی دارد و از سوی دیگر انگیزه ای برای درس خواندن آنان می شود. بی سوادی والدین نیز آسیب دو جنبه ای دارد. این قبیل والدین نه تنها می توانند از نظر آموزشی و تحصیلی به فرزندان خود کمک کنند، بلکه یک الگوی تقلیدی نامناسب برای فرزندان خود می باشند.

### 8- نتیجه گیری :

از آن جا که فرزندان هر خانواده آینده سازان مملکت هستند پیشرفت تحصیلی آن ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی از اهمیت ویژه برخوردار است. رابطه خانه و مدرسه تعاملی دو طرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمر بخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس خلا وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمیتواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی که بزرگترین مسولیت را در رشد و تکامل شخصیت فرزندان بر عهده دارند. وقتی که رفتار معلمان و اولیای مدرسه و نیز رفتار پدر و مادر و اولیای خانواده با موازین تعلیم و تربیت روانشناسی کودک و رشد او مطابقت نداشته باشد سلامت روانی و اجتماعی کودکان به مخاطره می افتد. پس در پرتو همدلی و همسویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی یعنی خانه و مدرسه بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهد شد.

### منابع :

استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۸۰) خانواده و فرزندان ابتدایی چاپ پانزدهم تهران انتشار انجمن و اولیا و مربیان.

بهبودی هایده (۱۳۹۰) ضرورت آموزش والدین کودکان با نیازهای ویژه مجله پیوند شماره ۳۷۹ و ۳۷۸ صفحه ۲۷







حایری زاده خیریه بیگم محمد حسین لیلی (۱۳۸۴) ویژگی های معلم موثر چاپ اول انتشارات منظومه خرد نشر قطره  
عرب نژاد مرضیه سایت زیبا وب  
کار بخش ماشاءالله (۱۳۷۸) چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقمند کنیم ؟ چاپ چهارم تهران انتشارات مدرسه .  
گینات هایم (۱۳۷۱) روابط معلم و دانش آموز ترجمه سیاوس سرتیپی تهران نشر فاخته .  
نقیه مجید (۱۳۷۸) ظرافت های معلمی چاپ اول تهران انتشارات بین المللی گاج .